

طراحی الگویی برای توسعه گردشگری عشایری در ایران: پژوهش داده‌بنیاد

فاطمه شکاری^۱، استادیار، گروه مدیریت گردشگری و هتلداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

زهرا معاون^۲، استادیار، گروه مدیریت گردشگری و هتلداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مسلم باقری^۳، دانشیار، گروه مدیریت گردشگری و هتلداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

علی اصغر مباحثی^۴، دانشجوی دکتری رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۱۹

<http://doi.org/10.22034/jitor.2026.2075376.1025>

چکیده

با توجه به افزایش علاقمندی گردشگران به کسب تجربه‌های فرهنگی اصیل و غنی و پتانسیل‌های چشم‌اندازهای فرهنگی عشایری در ایران، و هم‌چنین فقدان پژوهش‌هایی که به شناسایی جنبه‌های گوناگون توسعه گردشگری عشایری ایران بپردازند، هدف از پژوهش حاضر طراحی الگویی برای توسعه گردشگری عشایری در ایران با رویکرد داده‌بنیاد بوده است. این پژوهش به لحاظ هدف، توسعه‌ای است، از نظر ماهیت، اکتشافی و از لحاظ راهبرد تحقیق، کیفی است. جامعه آماری پژوهش، فعالان گردشگری عشایری ایران شامل کارشناسان و خبرگان فعال در بخش دولتی و خصوصی بوده‌اند که ۱۹ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی، انتخاب شده‌اند. به منظور اطمینان از قابلیت اعتماد به داده‌ها، مصاحبه با افراد مختلف از نظر جنسیت، نوع سازمان محل خدمت، تحصیلات دانشگاهی و سابقه فعالیت در حوزه گردشگری عشایری انجام شد. در فرایند گردآوری داده‌ها نیز قاعده‌اشباع داده‌ها مورد توجه قرار گرفت و فرایند گردآوری داده‌ها تا زمان رسیدن به داده‌های تکراری، ادامه یافت. پس از پایان تحلیل‌ها نیز نتایج نهایی در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و نظر آنان در ارتباط با یافته‌ها بررسی شد. پس از تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، ۷۴ کد نهایی شناسایی شد که در قالب ۶ مقوله اصلی و ۱۴ مقوله فرعی، دسته‌بندی شدند که عبارتند از: شرایط علی (عوامل مربوط به بازار و رقابت، عوامل اقتصادی-اجتماعی)، شرایط زمینه‌ای (فرهنگی-اجتماعی، زیرساختی)، شرایط مداخله‌گر (پیش‌برنده، بازدارنده)، پدیده محوری (محصولات و خدمات، فعالیت‌ها)، راهبردها (محصولات و خدمات، بازاریابی و ترفیع، منابع انسانی) و پیامدها (اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، رقابتی). یافته‌های این مطالعه، از طریق تحلیل چرایی اهمیت توسعه گردشگری عشایری، شناسایی عوامل بسترساز، عوامل پیش‌برنده و عوامل بازدارنده توسعه این گونه گردشگری، در کنار پیامدها و راهبردهای توسعه این گونه در ایران، می‌تواند به عنوان یک مرجع علمی مورد استفاده سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه گردشگری کشور قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: گردشگری عشایری، توسعه گردشگری، نظریه داده‌بنیاد، ایران

f.shekari@shirazu.ac.ir

2. z.moaven@shirazu.ac.ir

3. bagherimoslem@shirazu.ac.ir

4. mobasheri1728@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول

مقدمه

تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اقلیمی کشور طی قرن اخیر، اثرات قابل توجهی بر معیشت عشایری به جا گذاشته (نعمتی و همکاران، ۱۴۰۰) و این جوامع را از جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی به حاشیه رانده (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰)، به طوری که سهم عشایر کوچنده از جمعیت کشور، به کم‌تر از دو درصد کاهش یافته است. بر این اساس، لزوم ایجاد تغییر در رویکردهای توسعه بر پایه بهره‌گیری از نقاط قوت و توانمندی‌های این جوامع به منظور تنوع بخشیدن به گزینه‌های معیشتی (ضیائی^۱ و همکاران، ۲۰۱۷) و ایجاد معیشت پایدار (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰) احساس می‌شود، به‌ویژه در عصری که صنایع فرهنگی و خلاق از جمله گردشگری فرهنگی، برای توسعه جامع محلی اهمیت زیادی یافته‌اند (برتولا^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). علی‌رغم اهمیت جهانی و پتانسیل بالای گردشگری، جوامع بومی به طور تاریخی جزء گروه‌های به حاشیه رانده شده به شمار می‌آمده‌اند و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه محرومیت‌ها و نابرابری بسیاری را متحمل می‌شوند (قادری^۳ و همکاران، ۲۰۲۴).

علی‌رغم تنوع فرهنگی، دانش بومی و قابلیت‌های جوامع عشایری برای ارائه تجربه‌های اصیل و ایجاد فرصت‌های کسب‌وکار، نقش آن‌ها در توسعه گردشگری نادیده گرفته شده است (قادری و همکاران، ۲۰۲۴). این در حالی است که مناطق عشایری به‌عنوان «چشم‌اندازهای فرهنگی» - که در نتیجه تعامل انسان با محیط‌زیست خود شکل گرفته‌اند - (باکلی^۴ و همکاران، ۲۰۰۸) می‌توانند مقصدهایی جذاب برای گردشگران پست‌مدرن باشند زیرا این دسته از گردشگران منعطف‌تر، آگاه‌تر، حساس‌تر و در جستجوی تجربه‌های غنی‌تر، تازه‌تر و متنوع‌تر هستند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، توسعه گردشگری عشایری با فراهم کردن راهبرد معیشتی مکمل می‌تواند به تنوع‌بخشی به معیشت عشایری و در نتیجه، پایداری و تاب‌آورتر نمودن این سیستم آسیب‌پذیر و ارتقاء کیفیت زندگی این جوامع کمک نماید (نعمتی و همکاران، ۱۴۰۰، ضیائی و همکاران، ۲۰۲۲).

توسعه گردشگری، موضوعی میان رشته‌ای و پیچیده است که نیازمند مطالعه علمی و بررسی از جنبه‌های مختلف است. تا زمانی که آگاهی و دانش کافی در زمینه انواع مختلف گردشگری، به‌ویژه گونه‌های نوظهور آن ایجاد نشود، اقدامات صورت گرفته در این حوزه از اثربخشی لازم برخوردار نخواهند بود (باقری و همکاران، ۱۴۰۳). در این میان، گردشگری عشایری به‌عنوان یکی از گونه‌های نسبتاً جدید گردشگری، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و ادبیات موجود در این زمینه هنوز در حال شکل‌گیری است.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه گردشگری عشایری با بهره‌گیری از چهارچوب‌های متنوعی همچون اقتصاد، تجربه و اصالت (تیرگین^۵، ۲۰۱۸؛ تیرگین و شیه^۶، ۲۰۱۸)، تاب‌آوری معیشت (شکاری^۷ و همکاران، ۲۰۲۲) و

1. Ziaee
2. Bertola
3. Ghaderi
4. Buckley
5. Tiberghien
6. Tiberghien & Xie
7. Shekari

مدل‌های مدیریت و برنامه‌ریزی مانند 4D، مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) و تحلیل اثرات متقاطع مطالعه شده است (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نعمتی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳)، این چهارچوب‌ها اغلب به صورت پراکنده و بدون پیوند مفهومی منسجم، به کار رفته‌اند. افزون بر این، مطالعات تجربی عمدتاً در مقیاس‌های محلی و استانی یا معطوف به یک جامعه عشایری خاص انجام شده‌اند (شکاری و همکاران، ۲۰۲۲؛ ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰؛ کرمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نعمتی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نعمتی و همکاران، ۲۰۲۵) و تمرکز آن‌ها بیشتر بر پیامدهای اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی یا فضایی توسعه گردشگری بوده است (تالینبای^۲ و همکاران، ۲۰۱۸؛ شمس‌الدینی و همکاران، ۱۴۰۳؛ قادری و همکاران، ۲۰۲۴؛)، نه بر تبیین نظام‌مند فرایند توسعه آن. این وضعیت موجب شده است پیوندی روشن میان الزامات سمت عرضه و پیامدها چه برای مقصد و چه از سمت تقاضا شکل نگیرد و در نتیجه، ادبیات موجود فاقد یک مدل مفهومی یکپارچه و ملی برای توسعه گردشگری عشایری در ایران باشد؛ مدلی که بتواند محرک‌ها، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها را در چهارچوبی منسجم، تلفیق کند.

پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ علمی، به ارائه الگویی منسجم برای توسعه گردشگری عشایری در ایران می‌پردازد. این الگو بر پایه نظریه داده‌بنیاد و با اتکا بر دیدگاه‌های خبرگان گردشگری عشایری در سطح کشور طراحی شده است. در این مطالعه، با شناسایی جنبه‌های گوناگون توسعه گردشگری عشایری از جمله دلایل و ضرورت‌های توسعه، بستر زمینه‌ساز و عوامل اثرگذار بر توسعه گردشگری عشایری، راهبردهایی علمی در راستای دستیابی به پیامدهای مطلوب، ارائه شده است. نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه یک الگوی مفهومی منسجم است که می‌تواند هم به توسعه نظری ادبیات این حوزه یاری رساند و هم مبنایی برای تدوین سیاست‌ها و اقدامات اجرایی در سطح ملی فراهم سازد.

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

معیشت عشایری

معیشت عشایری به عنوان شیوه‌ای از زندگی مبتنی بر کوچ‌نشینی دامداری، حاصل قرن‌ها سازگاری فعال انسان با محدودیت‌ها و فرصت‌های محیطی، به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک است؛ شیوه‌ای که با هدف استفاده بهینه، فصلی و حساب‌شده از منابع اقتصادی و طبیعی، شکل گرفته است (شکاری و همکاران، ۲۰۲۲). کوچ‌نشینی دامداری را می‌توان پاسخی تاریخی و عقلانی به فشارهای اکولوژیک و اجتماعی-سیاسی دانست؛ پاسخی که امکان بقا و تداوم معیشت در محیط‌های ناپایدار را فراهم کرده است (بارفیلد^۳، ۲۰۱۲). شواهد باستان‌شناسی و متون تاریخی مربوط به خاور نزدیک باستان و استپ‌های اوراسیا نشان می‌دهد که دامداری کوچنده به تدریج و به عنوان راهکاری تخصصی برای

1. Nemati
2. Talinbayi
3. Barfield

مواجهه با محدودیت‌های کشاورزی، کمبود علوفه و بی‌ثباتی‌های اقلیمی شکل گرفته است؛ راهکاری که نه تنها بهره‌برداری از سرزمین‌های کم‌بازده را ممکن می‌ساخت، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی و سیاسی پیچیده نیز بوده است (آونی و روسن^۱، ۲۰۱۵؛ پورتر^۲، ۲۰۲۰؛ شلولز و شلی^۳، ۲۰۱۵).

از منظر ساختاری، جوامع عشایری کوچنده دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که آن‌ها را از دیگر اشکال زیست‌روستایی متمایز می‌کند: سازمان اجتماعی قبیله‌ای مبتنی بر روابط خویشاوندی و سلسله‌مراتب ایلی، اتکای اصلی معیشت به دامداری، و سبک زندگی شبانی همراه با جابه‌جایی فصلی میان سکونتگاه‌های سردسیر و گرمسیر (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰). این شیوه زیست بر نوعی بهره‌برداری پویا از قلمرو استوار است؛ به این معنا که جابه‌جایی نه نشانه بی‌ثباتی، بلکه ابزاری برای مدیریت منابع، تنظیم جمعیت و حفظ تعادل میان انسان، دام و محیط به شمار می‌رود. در این چهارچوب، قلمرو مفهومی ایستا نیست، بلکه به طور مداوم از طریق حرکت، بازتعریف و بازمرزبندی می‌شود و ساختار اجتماعی نیز به صورت انعطاف‌پذیر و در واکنش به فشارهای محیطی، اقتصادی و سیاسی، تغییر می‌کند (لگران^۴، ۲۰۰۸؛ نیبلین^۵، ۲۰۱۵).

با وجود این پویایی‌ها، جوامع عشایری اغلب در مطالعات کلان توسعه و گردشگری، ساده‌انگارانه و ایستا بازنمایی شده‌اند؛ در حالی که این جوامع، واجد پویایی‌های منحصر به فرد اجتماعی - اکولوژیک، فرهنگی و اقتصادی هستند که درک آن‌ها برای تحلیل‌های دقیق‌تر، ضروری است (آونی و روسن، ۲۰۲۵؛ ماهادوی^۶، ۲۰۱۹). در دوران معاصر، سبک زندگی عشایری تحت تأثیر پیشرفت در حمل‌ونقل، ارتباطات و فناوری، دچار دگرگونی شده و اشکال جدیدی به خود گرفته است (قادری و همکاران، ۲۰۲۴). هم‌زمان، کوچ‌نشینی در قرن اخیر با روندی دوگانه مواجه بوده است؛ از یک‌سو، افول ناشی از سیاست‌های یکجانشینی دولتی، ادغام در بازار و تغییرات محیطی و از سوی دیگر، تلاش‌هایی محدود و شکننده برای احیای آن از طریق گردشگری و حفاظت از میراث فرهنگی. با این حال، موفقیت تلاش‌ها برای احیا و حفظ این الگوی معیشت، به شدت به زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی - سیاسی و اقتصادی وابسته باقی مانده‌اند (رابینز^۷، ۲۰۰۴؛ مارچینا^۸، ۲۰۲۵؛ ماندرشاید^۹، ۲۰۰۱).

ایران از دیرباز یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین سکونتگاه‌های جوامع عشایری بوده است (شکاری و همکاران، ۲۰۲۲) و عشایر به عنوان بخشی یکپارچه از ساختار تاریخی، سیاسی و فرهنگی ایران، همواره به لحاظ اقتصادی، مدیریت پایدار منابع طبیعی، نقش تاریخی در توسعه سیاسی، قدرت دفاعی در نواحی مرزی و حفظ یکپارچگی قلمرو و به عنوان

1. Avni & Rosen
2. Porter
3. Scholz & Schlee
4. Legrand
5. Nibbelink
6. Mahadewi
7. Robbins
8. Marchina
9. Manderscheid

میراث‌داران فرهنگ سنتی، حائز اهمیت بوده‌اند (طاهری^۱ و همکاران، ۲۰۲۲؛ نوروزی^۲، ۲۰۲۱). عشایر ایران در زیستگاه وسیعی به مساحت بیش از ۹۶۳۰۰۰ کیلومتر مربع پراکنده هستند (انصاری رنانی^۳ و همکاران، ۲۰۱۳) و یکی از متنوع‌ترین گروه‌های قومی را تشکیل می‌دهند. اقلیم نیمه خشک، کمبود منابع آب، فصلی بودن و متغیر بودن الگوی بارش (چراغی^۴ و همکاران، ۲۰۲۰) و منابع سرزمین در بسیاری از نقاط ایران -که برای بهره‌برداری از مراتع برای دامداری مناسب‌تر از کشاورزی بوده است- (طاهری و همکاران، ۲۰۲۲) تاثیر قابل توجهی بر مهاجرت فصلی این جوامع بین سکونتگاه‌های تابستانی و زمستانی داشته است.

با این حال، تغییرات شدید جنبه‌های مختلف معیشت عشایری در ایران از قرن بیستم به دلایلی چون یکجانشینی اجباری، از بین رفتن ساختار قدرت سنتی و متمرکز شدن قدرت در دولت مرکزی، اجرای سیاست‌های مدرن‌سازی در دوره پهلوی، اصلاحات ارضی و ملی شدن مراتع، پیاده‌سازی مدل‌های خصوصی‌سازی شهری مالکیت زمین، مهاجرت به شهرها، خشکسالی، تبعیض فرهنگی و کمبود امکانات تحصیلی و زندگی، این سبک از زندگی را با تهدید روبرو کرده (انصاری رنانی و همکاران، ۲۰۱۳) و سبب شده است در عرض یک قرن، سهم جمعیت آن از حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد، به حدود ۱/۶ درصد کاهش یابد (شکاری و همکاران، ۲۰۲۲).

گردشگری عشایری

گردشگری عشایری به عنوان یکی از اشکال نوظهور گردشگری در بازار جهانی پست مدرن مطرح شده است؛ بازاری که در آن، تمرکز از گردشگری انبوه و استاندارد شده، به سوی جست‌وجوی اصالت، تجربه‌های زیسته و مواجهه با «دیگری»^۵، تغییر یافته است (شکاری و همکاران، ۲۰۲۲). در این چهارچوب، گردشگری عشایری بر تحرک به عنوان مفهوم محوری استوار است و به دیدارکنندگان امکان می‌دهد با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و محیطی جوامعی آشنا شوند که زندگی آن‌ها بر پایه جابه‌جایی‌های فصلی و چرخه‌ای میان مراتع، سامان می‌یابد (آونی و روسن، ۲۰۲۵؛ ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰؛ ماهادوی، ۲۰۱۹؛ نعمتی و همکاران، ۲۰۲۳).

این شکل از گردشگری در دل الگوهایی شکل می‌گیرد که بر اساس نشانه‌های اکولوژیک همچون آب، مرتع و اقلیم تنظیم شده و به طور عمیق با دانش بومی، سنت‌های فرهنگی و ساختارهای اجتماعی انعطاف‌پذیر، پیوند خورده‌اند. از این منظر، گردشگری عشایری برخلاف بسیاری از اشکال متعارف گردشگری، فعالیتی موقتی یا صرفاً تفریحی نیست، بلکه امتداد یک شیوه زندگی است که در آن تجربه گردشگری، از معیشت روزمره و کنش‌های فرهنگی جدا نمی‌شود (آونی و روسن، ۲۰۲۵؛ بارفیلد، ۲۰۱۲). به طور خلاصه، گردشگری عشایری به سفر به قلمرو زیستی جوامع عشایری و نیمه‌عشایری و تجربه مستقیم سبک زندگی کوچ‌نشینی اطلاق می‌شود؛ تجربه‌ای که مشاهده و مشارکت در فعالیت‌های

1. Taheri
2. Noroozi
3. Ansari-Renani
4. Cheraghi
5. Otherness

اقتصادی، فرایند کوچ، آیین‌ها، موسیقی، غذا، پوشش و صنایع دستی را در یک بازه زمانی مشخص دربرمی‌گیرد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹؛ نوروزی، ۲۰۲۱). گردشگران این حوزه عمدتاً به دنبال تعامل چهارمبه‌چهره و درک زیسته فرهنگ هستند و نه مصرف سطحی جاذبه‌ها (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰).

برخلاف گردشگری روستایی که بر سکونتگاه‌های ثابت استوار است، گردشگری عشایری بر «چشم‌انداز فرهنگی» تمرکز دارد؛ چشم‌اندازی که حاصل تعامل مستمر دامداران با محیط طبیعی بوده و اغلب با سکونتگاه‌های موقتی مانند سیاه‌چادر یا یورت همراه است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹؛ شکاری و همکاران، ۲۰۲۲؛ میرتقیان رودسری، ۱۴۰۱). اگرچه این نوع گردشگری با گردشگری بومی^۱ و جامعه‌محور همپوشانی دارد، اما وابستگی آن به دامداری سنتی و ریتم‌های خاص کوچ (بیلاق- قشلاق) آن را از ساختارهای اجتماعی نسبتاً ایستای جوامع یکجانشین، متمایز می‌کند (بخششی فاضل و حسنلی^۲، ۲۰۱۸؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹؛ لینداواتی^۳ و همکاران، ۲۰۲۱).

از نظر کارکردی، گردشگری عشایری را می‌توان تلفیقی از گردشگری فرهنگی و اکوتوریسم دانست که در صورت مدیریت صحیح، با تعداد محدود گردشگر می‌تواند منافع اقتصادی قابل توجهی برای جامعه میزبان ایجاد کند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹؛ ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰). یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توسعه این نوع گردشگری، با توجه به ظرفیت‌های چشم‌اندازهای فرهنگی زیستگاه‌های عشایری، می‌تواند به عنوان یک راهبرد معیشتی مکمل عمل کرده، از طریق تنوع‌بخشی به منابع درآمدی، بهبود سرمایه‌های معیشتی و کاهش وابستگی صرف به دامداری، تاب‌آوری این جوامع را افزایش دهد (شکاری و همکاران، ۲۰۲۲؛ نعمتی و همکاران، ۲۰۲۳). در سطح کلان، حاکمیت نیز گردشگری را ابزاری برای متنوع‌سازی اقتصاد، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و دستیابی به توسعه متوازن‌تر تلقی می‌کند (قادری و هندرسون^۴، ۲۰۱۲). در نهایت، توسعه پایدار گردشگری عشایری می‌تواند به حفظ سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، بهبود زیرساخت‌ها و کاهش مهاجرت جمعیت عشایری و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن، منجر شود (نعمتی و همکاران، ۱۴۰۰).

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان دانشگاهی گردشگری عشایری، بر چند چهارچوب نظری استوار است که اغلب به صورت پراکنده و جدا از هم به کار گرفته شده‌اند. یکی از رویکردها، اقتصاد تجربه و اصالت است که با تأکید بر تغییر پارادایم گردشگری از ارائه خدمات به خلق تجربه، از مفاهیمی مانند «اصالت نمایشی» جهت تحلیل نحوه بازنمایی فعالیت‌های روزمره جوامع عشایری برای گردشگران، بهره می‌گیرد. در این میان، «چرخه حیات اصالت»^۵ به عنوان یکی از چهارچوب‌های برجسته، تحول فرهنگ عشایری را از وضعیت اولیه^۶، به سازگاری موقعیتی^۷ و سپس

1. Indigenous tourism
2. Bakhsheshi Fazel & Hassanli
3. Lindawati
4. Ghaderi & Henderson
5. Life Cycle of Authenticity
6. primordial state
7. Situational adaptation

احیا^۱ در قالب گردشگری عشایری نوین^۲ تبیین می‌کند (تبرگین، ۲۰۱۸؛ تبرگین و شیه، ۲۰۱۸).

مفهوم تاب‌آوری معیشت نیز برای تحلیل ظرفیت نظام‌های اجتماعی-اکولوژیک عشایری در مواجهه با فشارهایی نظیر تغییرات اقلیمی، سیاست‌های اسکان یا افول دامداری سنتی، به کار رفته است. در این چهارچوب، تاب‌آوری از طریق کیفیت و چندکارکردی بودن سرمایه‌های معیشتی (شامل سرمایه انسانی، اجتماعی، طبیعی، فیزیکی و مالی) سنجیده می‌شود و گردشگری به‌عنوان یک «جایگزین کارکردی»^۳ مطرح می‌گردد که در دوره‌های رکود دامداری، به تداوم نظام معیشتی کمک می‌کند (شکاری و همکاران، ۲۰۲۲).

هم‌چنین، بخشی از ادبیات بر مدل‌های مدیریت و برنامه‌ریزی تمرکز دارد و از چهارچوب‌هایی مانند مدل 4D (کشف، رؤیاپردازی، طراحی، اجرا)^۴ و چهارچوب معیشت پایدار برای مطالعه مشارکت جامعه محلی و توانمندسازی آن، استفاده کرده است. افزون بر این، روش‌هایی مانند مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) و تحلیل اثرات متقاطع، برای شناسایی روابط سلسله‌مراتبی میان متغیرهای مؤثر بر توسعه گردشگری عشایری، به کار گرفته شده‌اند (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نعمتی و همکاران، ۲۰۲۳).

مطالعات از نظر مقیاس مکانی، روش‌شناسی و تمرکز موضوعی، متنوع هستند. در ایران، بخش عمده‌ای از مطالعات در سطح استانی یا محلی انجام شده‌اند (خالقی، ۱۴۰۰؛ شکاری و همکاران، ۲۰۲۲؛ شمس‌الدینی و جمینی، ۱۴۰۳؛ قیاسی و همکاران، ۱۴۰۴؛ موحدی و همکاران، ۱۴۰۳) یا بر یک جامعه عشایری خاص مانند عشایر شاهسون (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نعمتی و همکاران، ۱۴۰۰؛ نعمتی و همکاران، ۲۰۲۳؛ نعمتی و همکاران، ۲۰۲۵)، ایلسون (بخشی‌زاده، ۱۴۰۳)، سنگسری (قادری و همکاران، ۲۰۲۴) یا قشقایی (کرمی و همکاران، ۱۴۰۰) تمرکز داشته‌اند. در سطح بین‌المللی نیز مطالعات تطبیقی عمدتاً به جوامع عشایری قزاقستان (تبرگین و شیه، ۲۰۱۸؛ تبرگین و همکاران، ۲۰۱۸؛ تبرگین، ۲۰۲۰) و مغولستان اختصاص یافته است (مورو و همکاران، ۲۰۲۳).

از نظر محتوایی، بخش قابل‌توجهی از ادبیات به پیامدهای اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی گردشگری عشایری پرداخته و با استفاده از مصاحبه‌های کیفی و تحلیل تماتیک، نشان داده است که گردشگری می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی و ظرفیت‌سازی جوامع عشایری بینجامد یا در صورت مدیریت نامناسب، به فولکلوریزه شدن سنت‌ها، منجر شود (تالینبای و همکاران، ۲۰۱۸؛ تبرگین، ۲۰۲۰؛ شکاری و همکاران، ۲۰۲۲؛ عباسی و همکاران، ۱۴۰۱؛ قادری و همکاران، ۲۰۲۴). هم‌زمان، مطالعات با رویکرد برنامه‌ریزی فضایی از تکنیک‌های کمی مانند AHP و TOPSIS در محیط GIS برای مکان‌یابی کمپ‌های عشایری بر اساس متغیرهای توپوگرافی و اقلیمی، بهره گرفته‌اند (حسینی و اکبرپور، ۱۴۰۴؛ شمس‌الدینی و همکاران، ۱۴۰۳؛ شهدادی و همکاران، ۱۳۹۸؛ صادقی و تقدیسی، ۱۴۰۳؛ موحدی و همکاران، ۱۴۰۳). افزون بر این، بخشی از پژوهش‌ها بر انگیزه‌های گردشگران عشایری متمرکز بوده و با استفاده از

1. Revitalization
2. Neo-nomadic tourism culture
3. functional redundancy
4. Discovery, Dream, Design, Delivery

SEM-PLS یا آزمون‌های آماری مشابه، عوامل رانشی و کششی مؤثر بر رفتار گردشگران را تحلیل کرده‌اند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹؛ کرمی و همکاران، ۱۴۰۰).

با این وجود، ادبیات گردشگری عشایری با چند محدودیت اساسی مواجه است. نخست، پراکندگی نظری، به گونه‌ای که مطالعات تاب‌آوری معیشت، انگیزش گردشگران و برنامه‌ریزی فضایی، اغلب بدون پیوند مفهومی با یکدیگر انجام شده‌اند و ارتباط منسجمی میان الزامات سمت عرضه و پیامدها برای مقصد یا از سمت تقاضا برقرار نشده است. دوم، بسیاری از پژوهش‌ها رویکردی واکنشی دارند و بیش از آن که به ارائه مدل‌های جامع و نظریه‌محور بپردازند، بر شناسایی پیامدهای توسعه گردشگری تمرکز کرده‌اند (تالینبای و همکاران، ۲۰۱۸؛ قادری و همکاران، ۲۰۲۴؛ نعمتی و همکاران، ۲۰۲۳). سوم، تمرکز مکانی محدود به یک ایل یا استان خاص، مانع شکل‌گیری یک چهارچوب مفهومی ملی برای توسعه گردشگری عشایری ایران شده است؛ چهارچوبی که بتواند تنوع جغرافیایی و سطوح متفاوت مداخله دولت را به‌طور هم‌زمان در نظر بگیرد.

بر این اساس، شکاف اصلی پژوهش، نبود یک مدل مفهومی یکپارچه برای توسعه گردشگری عشایری در ایران است. ادبیات موجود فاقد چهارچوبی نظام‌مند است که بتواند محرک‌ها، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها را در یک ساختار منسجم تلفیق کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد می‌کوشد این خلأ را پوشش دهد و با ارائه مدلی جامع، نقشه راهی عملی برای سیاست‌گذاران فراهم آورد تا گردشگری عشایری به‌عنوان محرکی پایدار برای توسعه اجتماعی-اقتصادی، ایفای نقش کند.

روش تحقیق

این مطالعه به لحاظ هدف، توسعه‌ای، به لحاظ ماهیت اکتشافی و با توجه به ماهیت داده‌ها و روش، کیفی است. در این پژوهش، از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بر اساس رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۷) استفاده شده است. روش داده‌بنیاد، راهبردی نوآورانه و نظام‌مند برای گردآوری و تحلیل همزمان داده‌هاست و هدف از آن، تدوین نظریه‌ای کل‌نگر در ارتباط با ابعاد اصلی موضوع مورد بررسی است (چارمز و تورنبرگ^۲، ۲۰۲۱). مشارکت‌کنندگان در پژوهش را فعالان گردشگری عشایری ایران (کارشناسان و خبرگان فعال در بخش دولتی و خصوصی) تشکیل می‌دهند که ۱۹ نفر به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند. به عنوان معیارهای انتخاب اعضای نمونه، این شرایط مورد توجه قرار گرفتند:

(الف) تحصیلات دانشگاهی مرتبط با گردشگری

(ب) سابقه فعالیت در بخش خصوصی یا دولتی گردشگری

(ج) سابقه فعالیت در حوزه گردشگری عشایری

(د) توان و تمایل برای انتقال دانش و تجربه.

داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به صورت انفرادی با مشارکت‌کنندگان، گردآوری شد. هر مصاحبه به طور میانگین ۷۰ دقیقه به طول انجامید. پرسش‌ها نیز بر اساس مقوله‌های ششگانه روش داده‌بنیاد طراحی گردید و به منظور اطمینان از حفظ تمامی داده‌ها، پس از جلب رضایت مشارکت‌کنندگان، نسبت به ضبط مصاحبه‌ها اقدام شد. حجم نمونه نیز بر اساس نمونه‌گیری نظری و قاعده اشباع داده‌ها تعیین گردید (آلدیابات و لو ناونک^۱، ۲۰۱۸). در این فرایند، پس از انجام ۱۶ مصاحبه، اشباع داده‌ها حاصل شد. با این وجود به منظور اطمینان بیشتر، فرایند انجام مصاحبه ادامه یافت و جمعاً ۱۹ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند (جدول ۱).

جدول ۱- مشخصات اعضای نمونه

تحصیلات دانشگاهی	طبقه	کارشناسی	ارشد	دکتری	نوع سازمان محل خدمت	طبقه	دولتی	خصوصی
سابقه فعالیت در حوزه گردشگری عشایری (سال)	طبقه	کمتر از ۱۰	۱۱-۲۰	بالاتر از ۲۰	جنسیت	طبقه	زن	مرد
	فرآوانی	۶	۹	۴		فرآوانی	۵	۱۴
	درصد فرآوانی	۳۱/۵۷	۴۷/۳۶	۲۱/۰۵		درصد فرآوانی	۲۶/۳۱	۷۳/۶۸

جهت ارزیابی اعتبار تحلیل‌ها، از معیارهایی نظیر دستیابی به اشباع داده در فرایند گردآوری داده‌ها، بررسی نظرات مشارکت‌کنندگان نسبت به نتایج نهایی، ارزیابی درونی تحلیل‌ها و استفاده از منابع اطلاعاتی مختلف (آتارو^۲، ۲۰۲۰) استفاده شد. به منظور اطمینان از قابلیت اعتماد به داده‌ها، مصاحبه با افراد مختلف (از نظر جنسیت، نوع سازمان محل خدمت، تحصیلات دانشگاهی و سابقه فعالیت در حوزه گردشگری عشایری) انجام شد. در فرایند گردآوری داده‌ها نیز قاعده اشباع داده‌ها مورد توجه قرار گرفت و فرایند گردآوری داده‌ها تا زمان رسیدن به داده‌های تکراری ادامه یافت. پس از پایان تحلیل‌ها نیز نتایج نهایی در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و نظر آنان در ارتباط با یافته‌ها بررسی شد. مشارکت‌کنندگان تأیید کردند که پژوهش به درستی دیدگاه آنان را بازنمایی می‌کند. در نهایت، به منظور ارزیابی درونی تحلیل‌ها نیز، روش توافق درون موضوعی استفاده شد. در این راستا، از یک نفر دانش آموخته دکتری گردشگری درخواست شد به عنوان همکار در فرایند کدگذاری داده‌ها با پژوهشگران مشارکت نماید. پس از اتمام کدگذاری‌ها، از طریق شمارش تعداد کل کدهای ایجاد شده (۲۸۳)، متشکل از کدهای اولیه ایجاد شده توسط پژوهشگران (۱۴۱) و کدهای ایجاد شده توسط فرد همکار (۱۶۲) و نیز تعداد کدهای مورد توافق طرفین (۱۴۲)، مطابق با رابطه ۱، توافق

درون موضوعی برابر با ۸۰/۵۶ درصد محاسبه شد. با توجه به این که درصد توافق درون موضوعی بالاتر از ۶۰ درصد به عنوان اعتبار قابل قبول در این روش شناخته می شود (اوکانر و جافی^۱، ۲۰۲۰)، نتایج بیانگر قابلیت اعتبار یافته هاست.

$$\text{رابطه (۱)} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 100}{\text{کل کدها}} = \text{درصد توافق درون موضوعی}$$

یافته‌ها

با توجه به اهمیت تحلیل داده‌ها به صورت همزمان با گردآوری داده در پژوهش‌های داده‌بنیاد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۷)، پس از انجام هر مصاحبه، نسبت به تحلیل داده‌های حاصل اقدام شد. در پایان این مرحله که به عنوان کدگذاری باز سطح اول شناخته می شود، ۱۴۱ کد اولیه شناسایی گردید. نمونه‌ای از فرایند کدگذاری باز سطح اول، در جدول ۲ قابل مشاهده است.

در مرحله بعد (کدگذاری باز سطح دوم یا متمرکز) تمامی کدهای اولیه بررسی و ضمن حذف کدهای تکراری و ادغام کدهای مشابه، ۷۴ کد نهایی شناسایی شد. پس از آن، از طریق دسته‌بندی کدهای نهایی دارای اشتراک معنایی و مفهومی، نسبت به ایجاد مقوله‌های فرعی اقدام گردید. نمونه‌ای از فرایند شناسایی مقوله‌های فرعی در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۲- نمونه‌ای از کدگذاری باز انجام شده در فرایند پژوهش

ردیف	عبارت استخراج شده	کد اولیه
۱	زمانی که کشورهای رقیب ما چه رقبای قدیمی مثل ترکیه و چه رقبای جدید مثل تاجیکستان، ازبکستان و ... به گردشگری عشایر توجه خاصی می‌کنن و حتی درآمدهای خوبی دارن، چرا ما توجه نکنیم؟	توجه مقصدهای رقیب به گردشگری عشایری در سال‌های اخیر
۲	شاید در هیچ کجای دنیا کشوری وجود نداشته باشه که مثل ما در حوزه عشایری تنوع داشته باشن. ما چند قوم عشایر داریم که هر کدام آداب و رسوم خاص خود را دارن و می‌تونن جاذبه‌های متفاوتی باشن	تنوع قومی- فرهنگی عشایر ایران
.....		
.....		
۱۴۰	زمانی که به گردشگری عشایری توجه کنیم یعنی به عشایر، فرهنگ و رسوم عشایر و در واقع به تاریخ و تمدن عشایر توجه می‌کنیم و این توجه باعث احساس هویت، احیای فرهنگ و آداب عشایر می‌شه	ایجاد احساس افتخار و هویت فرهنگی در جوامع عشایری
۱۴۱	در حال حاضر تور تخصصی خیلی کم داریم؛ باید این تورها افزایش داشته باشه	ایجاد و افزایش تورهای تخصصی گردشگری عشایری

جدول ۳- نمونه‌ای از دسته‌بندی کدهای نهایی و شناسایی مقوله‌های فرعی

کدهای نهایی	مقوله فرعی
توجه مقصدهای رقیب به گردشگری عشایری در سال‌های اخیر	عوامل رقابتی
تنوع قومی- فرهنگی عشایر ایران	عوامل فرهنگی- اجتماعی
ایجاد احساس افتخار و هویت فرهنگی در جوامع عشایری	عوامل فرهنگی- اجتماعی
ایجاد و افزایش تورهای تخصصی گردشگری عشایری	راهبرد مرتبط با محصولات و خدمات

سپس در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های فرعی ایجاد شده (به همراه کدهای مربوط به هر مقوله) در قالب ابعاد ششگانه نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به شرح زیر دسته‌بندی گردید.

شرایط علی

منظور از شرایط علی، چرایی توسعه گردشگری عشایری در ایران است. همانگونه که در جدول ۴ قابل مشاهده است، شرایط علی در قالب دو مقوله فرعی یعنی عوامل مربوط به بازار و رقابت و عوامل اقتصادی-اجتماعی شناسایی شده است. به عبارت دیگر، کسب مزیت رقابتی به همراه منافع مورد انتظار اقتصادی-اجتماعی توسعه گردشگری عشایری در ایران، سبب شده است که این گونه گردشگری در کشور مورد توجه قرار گیرد.

پدیده محوری

پدیده محوری، توصیف‌کننده پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های عشایر در زمینه توسعه گردشگری است. از دید مشارکت‌کنندگان، پتانسیل‌های توسعه گردشگری عشایری شامل محصولات و خدماتی است که بر پایه میراث فرهنگی و محیط طبیعی سکونتگاه‌های عشایری شکل می‌گیرد، مانند خوراک‌ها، نوشیدنی‌ها و صنایع دستی و تعریف مسیرها، تورها یا برگزاری رویدادها و جشنواره‌ها. همچنین، با توجه به پتانسیل توسعه گردشگری خلاق در مقصدهای عشایری می‌توان فعالیت‌های تجربه محوری را تعریف کرد که دیدارکنندگان از طریق درگیر شدن و مشارکت، تجربه‌هایی غنی‌تر و اصیل‌تر کسب کنند (جدول ۵).

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای که می‌توانند بستری مناسب برای توسعه گردشگری عشایری ایجاد کنند، در قالب عوامل فرهنگی-اجتماعی و زیرساختی دسته‌بندی شده‌اند (جدول ۶).

جدول ۴- عوامل علی توسعه گردشگری عشایری در ایران

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای نهایی
شرایط علی	عوامل مربوط به بازار و رقابت	-توجه مقصدهای رقیب به گردشگری عشایری در سال‌های اخیر -کسب سهم بیشتری از بازار گردشگری جهانی
		-بهبود ارزش ویژه برند گردشگری کشور و متمایز ساختن برند گردشگری کشور در بازارهای هدف منطقه‌ای و جهانی -ضرورت ایجاد تنوع در محصولات و خدمات گردشگری به منظور ایجاد مزیت رقابتی پایدار
عوامل اقتصادی-اجتماعی		-کسب درآمد بیشتر از قابلیت‌های گردشگری کشور -ایجاد زمینه اشتغال ساکنین بومی به ویژه زنان
		-بهبود وضعیت درآمدی جوامع عشایری آسیب‌دیده از تغییرات اقلیمی در سال‌های اخیر -جلوگیری از مهاجرت جمعیت عشایری کشور به مناطق شهری

جدول ۵- پدیده محوری

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای نهایی
گردشگری عشایری	محصولات و خدمات گردشگری عشایری	-مسیرهای تخصصی گردشگری عشایری
		-سوغات متنوع (صنایع دستی و تولیدات عشایر) با بسته‌بندی و برندهای مناسب
		-اقامتگاه‌های بوم‌گردی مقصدهای مختلف عشایری
		-خوراک‌ها و نوشیدنی‌های سنتی مناطق عشایرنشین
		-جشنواره‌ها و رویدادهای مرتبط با گردشگری عشایری
گردشگری عشایری	فعالیت‌های گردشگری عشایری	-تورهای تخصصی گردشگری عشایری
		-مشارکت گردشگران در تهیه خوراک‌های بومی یا ساخت صنایع دستی در کنار مردم بومی
		-سفر در کنار عشایر در مسیرهای کوچ
		-شرکت در جشن‌ها و مراسم سنتی و بومی (جشن ازدواج، جشن برداشت محصول و مانند آن) و کسب تجربه‌های اصیل

جدول ۶- عوامل زمینه‌ای توسعه گردشگری عشایری در ایران

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای نهایی
شرایط زمینه‌ای	عوامل فرهنگی- اجتماعی	-روحیه مهمان‌نوازی عشایر ایران
		-تنوع قومی- فرهنگی عشایر ایران از نظر خوراک، پوشش، رسوم و آداب و غیره
	عوامل زیرساختی	-افزایش آگاهی عشایر نسبت به اهمیت و فرصت‌های توسعه گردشگری در سال‌های اخیر
		-افزایش علاقه عشایر نسبت به معرفی و شناسایی فرهنگ خود به جامعه در سال‌های اخیر
		-پراکندگی جغرافیایی عشایر در کشور (امکان توسعه متوازن گردشگری عشایری)
		- وجود زیست‌بوم‌های عشایری با ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی متنوع در سطح کشور
		-امکان توسعه گردشگری عشایری با سرمایه کمتر نسبت به سایر گونه‌های گردشگری
		-وجود کارآفرینان فعال در حوزه گردشگری عشایری در سطح کشور
		-وجود مؤسسات آموزشی در مناطق مختلف کشور جهت آموزش و توسعه منابع انسانی متخصص

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، شرایط و عناصری را شامل می‌شود که می‌توانند توسعه گردشگری عشایری را به صورت مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار دهند. همان‌گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد، شرایط مداخله‌گر در پژوهش، در دو دسته عوامل پیش‌برنده و عوامل بازدارنده دسته‌بندی شده‌اند.

راهبردها

همان‌گونه که در جدول ۸ قابل مشاهده است، کدهای نهایی مرتبط با راهبردهای توسعه گردشگری عشایری در ایران از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در سه دسته اصلی یعنی راهبردهای مرتبط با محصولات و خدمات، راهبردهای مرتبط با بازاریابی و ترفیع و راهبردهای مرتبط با منابع انسانی، شناسایی گردید.

پیامدها

پیامدهای توسعه گردشگری عشایری بر اساس نظر خبرگان در سه دسته پیامدهای اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و رقابتی قرار گرفته است.

جدول ۷- عوامل مداخله‌گر توسعه گردشگری عشایری در ایران

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای نهایی
عوامل پیش‌برنده		-اقلیم و آب‌وهوای چهار فصل کشور
		-توانمندی‌های کشور در سایر گونه‌های گردشگری
		-توجه به توسعه گردشگری در چشم‌انداز توسعه کشور
شرایط مداخله‌گر		-اقدامات انجام شده از سوی دولت به منظور تسهیل صدور ویزا یا لغو یک‌طرفه ویزا برای شهروندان
		بسیاری از کشورهای خارجی در سال‌های اخیر
		-بهبود وضعیت درآمدی بسیاری از کشورهای هدف گردشگری ایران در کنار ارزانی سفر به کشور
عوامل بازدارنده		-اقبال گردشگران به این گونه گردشگری (تبدیل شدن گردشگری عشایری به یکی از روندهای جدید و محبوب گردشگری در سال‌های اخیر)
		-امکان دسترسی به سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به حوزه گردشگری در داخل و خارج کشور
		-افزایش علاقه شهروندان به طبیعت و تجربه زندگی در مناطق یکر در سال‌های اخیر
عوامل بازدارنده		-تبلیغات منفی در ارتباط با ایران در خارج از کشور
		-تحریم نظام بانکی کشور از سوی دولت آمریکا (دشواری مبادلات بین بانکی از سوی گردشگران)
		-افزایش تمایل به شهرنشینی در بین برخی عشایر در سال‌های اخیر
عوامل بازدارنده		-تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی عشایر و نزدیک شدن سبک زندگی آنان به شهرنشینی در برخی مناطق (ورود عناصر مدرن به زندگی عشایری)
		-ظهور رقبای خارجی

جدول ۸- راهبردهای توسعه گردشگری عشایری در ایران

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای نهایی
راهبردهای مرتبط با محصولات و خدمات		-شخصی سازی تجربه‌های گردشگری عشایری با توجه به ویژگی‌های بازارهای هدف
		-تنوع بخشی به محصول گردشگری عشایری از طریق بهره‌گیری از بازار MICE
		-برگزاری تورهای تخصصی در بخش گردشگری عشایری (مانند تورهای تخصصی صنایع دستی عشایر، دست‌بافته‌ها و فرش‌گردی، خوراک)
راهبردهای مرتبط با بازاریابی و ترفیع		-برگزاری تورهای ترکیبی (برای مثال، گردشگری عشایری در ترکیب با پرندنگری، عکاسی، طبیعت‌گردی، تاریخی- فرهنگی و غیره)
		-اعطای جوایز تعالی به کسب و کارها و مقصدهای برتر گردشگری عشایری
		-شناسایی پتانسیل‌های موجود جهت ایجاد تمایز از طریق خلق و تقویت برند برای مقصدها و محصولات گردشگری عشایری
راهبردهای مرتبط با راهکارهای مرتبط با منابع انسانی		-برگزاری رویدادهای ویژه مضمون‌محور (برای مثال، جشنواره‌های خوراک، مراسم آیینی، هفته‌های فرهنگی)
		-انجام مطالعات بازار به منظور شناسایی ویژگی بازارهای هدف مناسب
		-تهیه تقویم استانی رویدادهای مقصدهای عشایری
راهبردهای مرتبط با راهکارهای مرتبط با منابع انسانی		-تأسیس دفتر اطلاعات گردشگری در هر یک از بازارهای هدف
		-تهیه و توزیع محتوای ترفیعی در مورد مقصدها، محصولات و مسیرهای گردشگری عشایری در بازارهای هدف
		-برگزاری سفرهای آشناسازی برای فعالان اثرگذار بر صنعت گردشگری مانند تورگردان‌ها، اصحاب رسانه، بلاگرها و غیره
راهبردهای مرتبط با راهکارهای مرتبط با منابع انسانی		-حضور در نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی گردشگری
		-میزبانی از رویدادها و نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی گردشگری عشایری
		-راه‌اندازی کمپین‌های بازاریابی (در قالب مسابقه) با هدف تولید محتوا و داستان‌سرایی (روایت‌پردازی) در مورد مقصدهای عشایری
راهبردهای مرتبط با راهکارهای مرتبط با منابع انسانی		(توسط جامعه محلی، افراد تأثیرگذار، دیدارکنندگان و غیره)
		-آموزش و پرورش راهنماهای تور و مفسران تخصصی مقصدهای عشایری و اعطای گواهی‌نامه
		-آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه گردشگری و تعامل با گردشگران برای جوامع محلی عشایری (به ویژه افراد و گروه‌هایی که با گردشگران تعامل دارند)
راهبردهای مرتبط با راهکارهای مرتبط با منابع انسانی		-جلب مشارکت فعال جوامع محلی عشایری از طریق ظرفیت‌سازی مردم محلی و تلاش برای به کارگیری رویکرد توسعه جامعه-بنیاد
		-ایجاد زمینه همکاری و اشتراک دانش و تجربه بین ذی‌نفعان مختلف شامل مدیران و کارشناسان بخش دولتی، بخش خصوصی، دانشگاه و جوامع محلی عشایری در ارتباط با توسعه گردشگری عشایری
		-تدوین محتوای آموزشی و آموزش کارآفرینان بومی در زمینه مهارت‌های مورد نیاز برای تأسیس و اداره کسب و کار

جدول ۹- پیامدهای توسعه گردشگری عشایری در ایران

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای نهایی
پیامدهای اقتصادی		-افزایش فرصت‌های اشتغال در مناطق عشایری
		-بهبود وضعیت درآمد و معیشت عشایر
		-افزایش نقش آفرینی گردشگری در توسعه پایدار ملی
		-افزایش فرصت‌های کارآفرینی در مناطق عشایری به ویژه برای زنان
پیامدها	پیامدهای اجتماعی-فرهنگی	-بهبود کیفیت زندگی عشایر
		-پیشگیری از مهاجرت نسل‌های جدید عشایر به شهرها
		-ایجاد حس افتخار و هویت نسبت به فرهنگ، تاریخچه و آداب و رسوم بومی در بین جمعیت عشایری کشور
		-احیاء و حفظ میراث‌های فرهنگی بومی (جشن‌ها، مراسم، خوراک‌ها، پوشش، گویش‌ها، داستان‌ها و غیره)
		-بهبود انسجام و هویت ملی از طریق معرفی تاریخ و فرهنگ قومیت‌های مختلف کشور به گردشگران داخلی
		-توانمندسازی جوامع محلی عشایری
پیامدهای رقابتی		-افزایش مبادلات فرهنگی کشور با سایر کشورها
		-افزایش سهم نسبی صنعت گردشگری کشور از بازار جهانی گردشگری
		-بهبود تصویر برند گردشگری کشور و کمک به ایجاد تمایز برند کشور در عرصه بین‌الملل
		-افزایش رضایت گردشگران از طریق ایجاد تجربه‌های مثبت و متنوع برای آنان
-ایجاد تنوع در محصولات و خدمات گردشگری کشور و ارائه محصولات و خدمات مکمل برای سایر گونه‌های گردشگری		

پس از پایان کدگذاری محوری، در مرحله سوم کدگذاری داده‌بنیاد (کدگذاری انتخابی)، بین مقوله‌های شش‌گانه شناسایی شده ارتباط برقرار شد و مدل پارادایمی توسعه گردشگری عشایری ایران ترسیم گردید (شکل ۱).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، طراحی الگوی یکپارچه توسعه گردشگری عشایری ایران با رویکرد داده‌بنیاد بوده است. بر اساس یافته‌ها، عوامل مربوط به بازار و رقابت و عوامل اقتصادی-اجتماعی مهم‌ترین دلایل توسعه گردشگری عشایری در ایران هستند. به عبارت بهتر، تغییرات ایجاد شده در فضای رقابتی صنعت گردشگری و توجه مقصدهای رقیب به این گونه گردشگری، موضوعاتی مانند بهبود ارزش ویژه برند گردشگری کشور و متمایز ساختن برند گردشگری کشور در بازارهای هدف منطقه‌ای و جهانی و ایجاد تنوع در محصولات و خدمات گردشگری به منظور ایجاد مزیت رقابتی پایدار را به یکی از انگیزه‌های اصلی توجه به گردشگری عشایری و توسعه این گونه در ایران تبدیل کرده است. در این میان، اهداف عوامل اقتصادی-اجتماعی مانند کسب درآمد بیشتر از قابلیت‌های گردشگری کشور، ایجاد زمینه اشتغال ساکنین بومی به ویژه زنان، بهبود وضعیت درآمدی جوامع عشایری آسیب‌دیده از تغییرات اقلیمی در سال‌های اخیر و جلوگیری از مهاجرت جمعیت عشایری کشور به مناطق شهری نیز از جمله عواملی هستند که می‌توانند به عنوان دلایل و چرایی توسعه این گونه گردشگری، مورد توجه قرار گیرند.



شکل ۱- مدل پارادایمی توسعه گردشگری عشایری در ایران

در این راستا، عوامل فرهنگی- اجتماعی مانند روحیه مهمان‌نوازی عشایر ایران؛ تنوع قومی- فرهنگی عشایر کشور از نظر خوراک، پوشش، رسوم و آداب و غیره و عوامل زیرساختی مانند پراکندگی جغرافیایی عشایر (امکان توسعه متوازن گردشگری عشایری) و وجود زیست‌بوم‌های عشایری با ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی متنوع در سطح کشور نیز زمینه مناسبی برای توسعه این گونه گردشگری ایجاد کرده و شرایط مناسبی در این ارتباط فراهم نموده‌اند. همچنین، تحلیل دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش بیانگر این است که مواردی مانند اقلیم و آب‌وهوای چهارفصل کشور، توانمندی‌های کشور در سایر گونه‌های گردشگری؛ توجه به توسعه گردشگری در چشم‌انداز توسعه کشور، اقدامات انجام شده از سوی دولت به منظور تسهیل صدور ویزا یا لغو یک‌طرفه ویزا برای شهروندان بسیاری از کشورهای خارجی در سال‌های اخیر و بهبود وضعیت درآمدی بسیاری از کشورهای هدف گردشگری ایران در کنار ارزانی سفر به کشور نیز می‌توانند توسعه این گونه گردشگری را مورد حمایت قرار داده و به عنوان فرصت‌های محیطی در فرایند توسعه گردشگری عشایری کشور مورد توجه قرار گیرند.

در حالی که، مواردی مانند تبلیغات منفی در ارتباط با ایران در خارج از کشور، تحریم نظام بانکی کشور از سوی دولت آمریکا (دشواری مبادلات بین بانکی از سوی گردشگران) و افزایش تمایل به شهرنشینی در بین برخی عشایر در سال‌های اخیر، می‌توانند توسعه گردشگری عشایری در کشورمان را با موانع و چالش‌هایی مواجه سازند. یافته‌ها همچنین گویای این است که توسعه گردشگری عشایری در ایران نیازمند انجام اقداماتی در حوزه‌هایی مانند محصولات و خدمات، بازاریابی و ترفیع و نیز مدیریت منابع انسانی است. به عبارت دیگر، توسعه گردشگری عشایری در ایران در گرو انجام اقداماتی در حوزه توسعه محصول و تنوع‌بخشی به محصولات و خدمات، تبلیغات و معرفی مقصدها و نیز محصولات و خدمات گردشگری عشایری کشور به بازارها و مشتریان هدف بوده، لازم است نسبت به آموزش و توسعه منابع انسانی مورد نیاز جهت فعالیت در این صنعت مانند راهنماهای تور و مفسران تخصصی، جلب مشارکت فعال جوامع محلی، ایجاد زمینه همکاری و اشتراک دانش و تجربه بین ذی‌نفعان مختلف شامل مدیران و کارشناسان بخش دولتی، بخش خصوصی، دانشگاه و جوامع محلی و مواردی از این دست نیز اقدام گردد. در نهایت، توسعه گردشگری عشایری در ایران می‌تواند منجر به دستاوردهایی در ابعاد اقتصادی شود مانند افزایش فرصت‌های اشتغال در مناطق عشایری و بهبود وضعیت درآمد و معیشت عشایر؛ اجتماعی- فرهنگی مانند پیشگیری از مهاجرت نسل‌های جدید عشایر به شهرها؛ ایجاد حس افتخار و هویت نسبت به فرهنگ، تاریخچه و آداب و رسوم بومی در بین جمعیت عشایری کشور و احیاء و حفظ میراث‌های فرهنگی بومی؛ و رقابتی مانند افزایش سهم نسبی صنعت گردشگری کشور از بازار جهانی گردشگری، بهبود تصویر برند گردشگری کشور و کمک به ایجاد تمایز برند کشور در عرصه بین‌الملل و مانند آن.

برخی از عوامل الگوی توسعه گردشگری عشایری که در این پژوهش شناسایی شده‌اند، پیش‌تر نیز در مطالعات قبلی مورد توجه قرار گرفته‌اند. با این حال، پژوهش حاضر، با رویکردی نظام‌مند و جامع، ضمن تأیید برخی یافته‌های پیشین، ابعاد جدیدی را نیز شناسایی کرده است. از جمله عوامل شناسایی شده در پژوهش‌های پیشین عبارتند از: منابع و

محصولات گردشگری عشایری (میرتقیان رودسری، ۱۴۰۱)،
 _____ ق _____
 _____ ق _____

و ضعف زیست محیطی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و نهادی (شهادی و همکاران، ۱۳۹۸)، ظرفیت‌های مغفول گردشگری عشایری شامل محصولات و تولیدات منحصر به فرد، نیروی متخصص و بومی، اقدامات و فرهنگ ملموس و ناملموس (جوان و حجت شمامی، ۱۴۰۱)، موانع و تنگناهای توسعه گردشگری عشایری شامل ضعف دانش و توان همکاری، تحولات سبک زندگی عشایری از سنتی به مدرنیته، ضعف بازاریابی و تبلیغات و ناآگاهی گردشگران (عباسی و نظری‌زاده دهکردی، ۱۴۰۱).

هم‌چنین، برخی از پژوهش‌ها عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری عشایری را شناسایی کرده‌اند. برای مثال، بر اساس یافته‌های ضیائی و همکاران (۱۴۰۰) توانمندسازی، مهم‌ترین پیشران توسعه گردشگری عشایری در مقصدهای عشایری شاهسون به شمار می‌رود و تقویت آن باید در برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌گذاری در اولویت قرار گیرد. به علاوه، سرمایه‌های اجتماعی، کنشگری دولت، و عوامل ساختاری- نهادی، متغیرهای راهبردی تأثیرگذار بر توسعه گردشگری عشایری در این مناطق هستند. نعمتی و همکاران (۱۴۰۰) عوامل مؤثر بر پایداری معیشت و توسعه گردشگری در مناطق عشایری ایل شاهسون را در قالب دو دسته عوامل ایجابی (شامل سرمایه فرهنگی و نمادین، کنشگری دولت، سرمایه اجتماعی، توانمندی اقتصادی، توانمندی محیطی، توانمندسازی و زیرساخت‌ها) و عوامل سلبی (شامل موانع اجتماعی، موانع شناختی دانشی، بی‌توجهی به عشایر، موانع فرهنگی و موانع زیست‌محیطی) شناسایی کردند. هم‌چنین، نعمتی و همکاران (۲۰۲۳) عوامل مؤثر بر توسعه آینده گردشگری عشایری در مقصدهای ایل شاهسون را در دو گروه عوامل انگیزاننده (شامل توانمندسازی جوامع، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، قابلیت‌های زیست محیطی، زیرساخت‌ها، فعالیت دولت و سرمایه اجتماعی) و عوامل بازدارنده (شامل موانع فرهنگی، موانع دانشی، موانع نهادی، موانع زیست محیطی و موانع جمعیت‌شناختی) دسته‌بندی کردند. علی‌رغم برخی یافته‌های مشترک با مطالعات پیشین، در پژوهش حاضر موانع زیرساختی (عباسی و نظری‌زاده دهکردی، ۱۴۰۱)، یا موانع نهادی یا موانع مرتبط با نقش‌آفرینی دولت در زمینه خط‌مشی‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت، شناسایی نشده است (عباسی و نظری‌زاده دهکردی، ۱۴۰۱، نعمتی و همکاران، ۱۴۰۰، ضیائی و همکاران، ۲۰۱۷، ضیائی و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به میراث فرهنگی غنی و چشم‌اندازهای طبیعی متنوع، گردشگری عشایری پتانسیل زیادی برای توسعه در ایران دارد و مقصدهای عشایری با ارائه محصولات و خدمات متنوع و فرصت انجام فعالیت‌های گوناگون، دیدار کنندگانی را که به دنبال کسب تجربه‌های اصیل هستند، جذب می‌کند. بنابراین، پدیده محوری در الگوی توسعه گردشگری عشایری، ظرفیت‌های این سبک زندگی و چشم‌اندازهای مرتبط با آن برای توسعه گردشگری در ایران بوده است. سبک زندگی عشایری با جنبه‌های مختلف فرهنگ شامل آداب و رسوم، پوشش، خوراک و نوشیدنی‌ها، کوچ، مسکن، صنایع دستی و دست‌بافته‌ها و هم‌چنین با محیط طبیعی پیرامون خود گره خورده است که می‌تواند برای طراحی و توسعه محصولات و خدمات مختلف مانند مسیرها و تورهای تخصصی یا

برگزاری رویدادها و مراسم آئینی یا ارائه فعالیت‌های خلاقانه و تجربه‌محور به منظور جلب مشارکت و درگیر کردن گردشگران در فعالیت‌هایی چون آشپزی، کوچ، ساخت صنایع‌دستی، برگزاری جشن‌ها و مراسم سنتی و غیره، مورد استفاده قرار بگیرد.

یافته‌ها حاکی از آن است که الگوی توسعه گردشگری عشایری ایران نیازمند رویکردی چندوجهی است که جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، رقابتی، زیرساختی، عوامل پیش‌برنده و بازدارنده را در بر بگیرد که در الگوی تدوین شده در قالب شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدهای توسعه گردشگری، دسته‌بندی شده‌اند. هم‌چنین، توسعه گردشگری عشایری نیازمند اتخاذ راهکارهایی در حوزه توسعه محصولات و خدمات، بازاریابی و ترفیع و منابع انسانی است. به کارگیری راهکارهای مذکور می‌تواند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و رقابتی هم برای مقصدهای عشایری و هم برای صنعت گردشگری کشور داشته باشد.

با توجه به پیامدها، توسعه گردشگری عشایری با هدف بهبود کیفیت زندگی جوامع بومی علاوه بر ایجاد فرصت‌های توسعه اقتصادی و تلاش برای کسب مزیت رقابتی و افزایش سهم بازار، باید بر حفاظت از یکپارچگی فرهنگی و محیط طبیعی که زیربنای توسعه مقصدهای گردشگری عشایری است و هم‌چنین، ظرفیت‌سازی، جلب مشارکت و در نهایت توانمندسازی جوامع محلی، متمرکز باشد. به عبارت دیگر، توسعه پایدار جوامع عشایری مستلزم متوازن سازی منافع اقتصادی، با حفاظت از منابع طبیعی و یکپارچگی اجتماعی-فرهنگی و هم‌چنین توانمندسازی این جوامع است. توسعه پایدار گردشگری در جوامع عشایری می‌تواند به دوام گردشگری و تاب‌آوری این جوامع بینجامد. بر این اساس، جوامع عشایری برای دستیابی به معیشت پایدار و ارتقای تاب‌آوری خود، راهبردهای گوناگونی را به کار می‌گیرند. این راهبردها با هدف بهره‌گیری از سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و انسانی و برای سازگاری با تغییرات، تنش‌ها و عوامل بیرونی و درونی تواناساز یا محدودکننده، اتخاذ می‌شوند.

(شکاری و همکاران، ۲۰۲۲، ضیائی و همکاران، ۲۰۱۷). هر چند، در یافته‌های پژوهش حاضر، تاب‌آوری به عنوان پیامد نهایی مطلوب توسعه مقصدهای گردشگری عشایری شناسایی نشده است، اما در ادبیات، به عنوان عاملی مهم برای دوام و ظرفیت انطباق جوامع محلی از طریق گردشگری مورد تأکید قرار گرفته است (مورو^{۴۵} و همکاران، ۲۰۲۳، شکاری و همکاران، ۲۰۲۲).

اگرچه عوامل شناسایی شده در این پژوهش با رویکرد داده‌بنیاد در قالب یک الگوی یکپارچه گرد هم آمده‌اند، اما همه این عوامل اهمیت یکسانی ندارند، برای مثال، با توجه به ادبیات، ظرفیت‌سازی و جلب مشارکت اعضای جامعه می‌تواند نقش محوری در توسعه پایدار ایفا کند و به توانمندسازی آنان منجر شود که هم به عنوان مبنای توسعه گردشگری جامعه‌بنیاد و هم به جهت پیامدهای بلندمدت آن می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد (ضیائی و همکاران، ۱۴۰۰؛ قادری و همکاران، ۲۰۲۴). از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به اولویت‌بندی این عوامل بپردازند.

هم‌چنین، عوامل اثرگذار مانند نقش دولت و عوامل نهادی یا تغییرات اقلیمی، راهبردهایی مانند مدیریت انطباقی و پیامدهایی چون تاب‌آوری در این پژوهش مورد توجه خبرگان نبوده‌اند و شناسایی نشده‌اند که می‌تواند از جامعیت الگو بکاهد. به علاوه، با توجه به این موضوع که ممکن است مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، نسبت به تمامی عشایر ایران اشراف اطلاعاتی نداشته باشند، تعمیم یافته‌ها به کل عشایر ایران می‌تواند با محدودیت مواجه گردد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با به کارگیری منابع متنوع‌تری برای گردآوری داده‌ها از جمله دیدگاه جوامع محلی عشایری و فعالان گردشگری و ادبیات پژوهش، بر جامعیت الگوی توسعه پیشنهادی بیفزاید.

تعارض منافع

نویسندگان هیچگونه تعارض منافی ندارند.

منابع

- باقری، مسلم؛ مباشری، علی اصغر؛ شکاری، فاطمه؛ معاون، زهرا. (۱۴۰۳). «طراحی الگوی توسعه گردشگری خوراک در ایران با رویکرد داده‌بنیاد». *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*. ۱۳(۴۸)، ۶۵-۴۱.
- بخشی‌زاده، حسن. (۱۴۰۳). «توسعه گردشگری عشایری در بین عشایر ایلسون دهستان سردابه شهرستان اردبیل». *جغرافیا و توسعه فضایی*، ۱(۳)، ۲۱-۳۹.
- جوان، فرهاد؛ حجت شمایی، سیروس. (۱۴۰۱). «واکاوی ظرفیت‌های مغفول مانده گردشگری عشایری در ناحیه رضوانشهر». *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱(۲)، ۱۲۲-۱۰۹.
- حسینی، فروغ؛ اکبرپور، محمد. (۱۴۰۴). «شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش اکوکمپ‌های عشایری در قلمروهای کوهستانی (مطالعه موردی: شهرستان دالاهو؛ استان کرمانشاه)». *پژوهش‌های محیطی در قلمروهای کوهستانی*، ۱(۲)، ۱۳-۲۴.
- خالقی، عقیل. (۱۴۰۰). «شناسایی پیشران‌های کلیدی توسعه گردشگری عشایری (مطالعه موردی: جشنواره منطقه عشایری قره‌قیه آذربایجان شرقی)». *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱(۲)، ۱۵۴-۱۳۷.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ ایمانی طیبی، لیلا؛ فرهادی یونکی، مجید. (۱۳۹۹). «عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری تجربه محور در مناطق عشایری (مورد مطالعه: عشایر قشقای)». *پژوهش‌های روستایی*، ۱۱(۴)، ۷۱۲-۷۲۷.
- شهدادی، علی؛ قنبری، یوسف؛ سلمانی‌زاده، الهام؛ آذره، علی. (۱۳۹۸). «مکان‌یابی و پتانسیل‌یابی مناطق مستعد جهت احداث اکوکمپ عشایری (مطالعه موردی: بخشی از شهرستان سمیرم)». *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۳۵(۹)، ۳۰۶-۲۹۳.
- شمس‌الدینی، علی؛ جمینی، داود. (۱۴۰۳). «شناسایی مهم‌ترین استراتژی توسعه گردشگری عشایری (مطالعه موردی: استان فارس)». *پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی*، ۱۷(۱)، ۲۷-۱۳.
- شمس‌الدینی، علی؛ جمینی، داود؛ آتش‌بهار، رامین. (۱۴۰۳). «تحلیلی بر معیارهای مکان‌یابی اکوکمپ گردشگری عشایری در کشور». *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱(۲)، ۱۷-۳۲.
- صادقی، حجت‌الله؛ تقدیسی، احمد. (۱۴۰۳). «ارزیابی تناسب اراضی برای برنامه‌ریزی گردشگری عشایری با استفاده از GIS در منطقه کوه‌رنگ». *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۴(۵۳)، ۸۱-۹۴.

- ضیائی، محمود؛ فقیهی، ابوالحسن؛ طهماسبی، اصغر؛ نعمتی، ولی. (۱۴۰۰). «طراحی الگوی مدیریت توسعه گردشگری عشایری با استفاده از رویکرد مدل سازی ساختاری - تفسیری». *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۴ (۵۳).
- عباسی، رسول؛ نظری‌زاده دهکردی، نرگس. (۱۴۰۱). «واکاوی موانع و تنگناهای توسعه بوم‌گردی عشایری (مورد مطالعه: عشایر استان چهارمحال و بختیاری)». *روستا و توسعه*، ۲۵ (۱)، ۷۷-۹۸.
- قیاسی، رقیه؛ چوبچیان، شهلا؛ اکبری، الهام؛ شوکتی، محمد. (۱۴۰۴). «نقش گردشگری عشایر بر ارتقای فرایندهای زیست‌پذیر و بهبود کیفیت زندگی در جوامع عشایری منطقه استان چهارمحال و بختیاری». *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۳۲ (۱)، ۲۱۹-۲۴۰.
- کریمی، فریبا؛ اکبریان، سعیدرضا؛ جباری ارخلو، افسانه. (۱۴۰۰). «بررسی عوامل انگیزشی مؤثر در توسعه گردشگری عشایری (مطالعه موردی: ایل قشقای)». *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۰ (۳۷)، ۳۹-۶۳.
- موحدی، رضا؛ پویا، مهرداد؛ صرامی فروشانی، ترانه؛ آرمند، مریم. (۱۴۰۳). «شناسایی و اولویت‌بندی مناطق مستعد گردشگری عشایری در استان همدان». *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۴ (۱)، ۱۱۷-۱۳۲.
- میرتقیان رودسری؛ سید محمد. (۱۴۰۱). «گونه‌شناسی گردشگران و محصولات گردشگری مبتنی بر منابع و ظرفیت‌های جامعه و مناطق عشایری». *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۲ (۲)، ۱۰۵-۱۲۶.
- نعمتی، ولی؛ ضیائی، محمود؛ فقیهی، ابوالحسن؛ طهماسبی، اصغر. (۱۴۰۰). «تحلیل کیفی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری عشایری (مورد مطالعه: عشایر شاهسون)». *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۰ (۲۹)، ۷-۳۹.
- Aldiabat, Kh. M., & Le Navenec, C. (2018). «Data saturation: The mysterious step in grounded theory methodology». *The Qualitative Report*, 23(1), 245-261. <https://doi.org/10.46743/2160-3715/2018.2994>
- Ansari-Renani, H., Rischkowsky, B., Mueller, J. P., Momen, S. M. S., & Moradi, S. (2013). «Nomadic pastoralism in southern Iran». *Pastoralism: Research, Policy and Practice*, 3(1), 11. <https://doi.org/10.1186/2041-7136-3-11>
- Ataro, G. (2020). «Methods, methodological challenges and lesson learned from phenomenological study about OSCE experience: Overview of paradigm-driven qualitative approach in medical education». *Annals of Medicine and Surgery*, 49, 19-23. <https://doi.org/10.1016/j.amsu.2019.11.013>
- Avni, G., & Steven A. R. (2025). «Nomads in the Classical and Byzantine Near East, in Rubina Raja (ed.), The Oxford Handbook of the Hellenistic and Roman Near East». *Oxford Academic*. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780190858155.013.4>
- Bakhsheshi Fazel, F., & Hassanli, N. (2018). «Participatory tourism development in Iran: implementing community-based tourism within a migrating nomadic tribe». In *Tourism in Iran* (pp. 193-206). Routledge.
- Barfield, Th. J. (2012). «Nomadic pastoralism, in Jerry H. Bentley (ed.), The Oxford Handbook of World History». *Oxford Academic*. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199235810.013.0010>
- Bertola, P., Iannilli, V., Spagnoli, A., & Vandi, A. (2022). «Cultural and Creative Industries as Activators and Attractors for Contemporary Culture-Driven Nomadism». In *Contributions to Management Science* (pp. 51-74). Springer Nature.
- Buckley, R., Ollenburg, C., & Zhong, L. (2008). «Cultural landscape in mongolian tourism». *Annals of Tourism Research*, 35(1), 47-61. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2007.06.007>
- Charmaz, K., & Thornberg, R. (2021). «The pursuit of quality in grounded theory». *Qualitative Research in Psychology*, 18(3), 305-327. <https://doi.org/10.1080/14780887.2020.1780357>
- Cheraghi, T., Poursaeed, A., Eshraghi Samani, R., Arayesh, B., & Vahedi, M. (2020). «The Best Method of Inhabitation to Ensure Livelihood Sustainability of Nomads in Ilam Province: The Application of Multi-Criteria Decision- Making Models». *Journal of Talent Development and Excellence*, 2459-2477.
- Ghaderi, Z., Fakhari, S., Shekari, F., & Saberi, M. (2024). «Community capacity building and indigenous tourism in Iran». *Anatolia*, 1-16. <https://doi.org/10.1080/13032917.2024.2328108>

- Ghaderi, Z., & Henderson, J. C. (2012). «Sustainable rural tourism in Iran: A perspective from Hawraman Village». *Tourism Management Perspectives*, 2-3, 47-54. <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2012.03.001>
- Legrand, J. (2008). «Migrations or Nomadism: How Glaciation Reveals Historical Models of Mobility». *Diogenes*, 55(2), 97-102. <https://doi.org/10.1177/0392192108090743>
- Lindawati, L., Damayanti, A., & Putri, D. H. (2021). «The potential of community-based nomadic tourism development: Insight from Three Case Study in Yogyakarta». *Jurnal Pemberdayaan Masyarakat: Media Pemikiran Dan Dakwah Pembangunan*, 5(1), 139-168. <https://doi.org/10.14421/jpm.2021.051-06>
- Mahadewi, N. M. E. (2019). «Nomadic tourism, education tourism, digital tourism and event tourism for sustainable tourism. Jour of Adv». *Research in Dynamical & Control Systems*, 11(11).
- Manderscheid, A. (2001). «Decline and re-emergence of nomadism: Tibetan pastoralists revive a nomadic way of life and production». *GeoJournal*, 53(2), <https://doi.org/10.1023/A:1015728719305>
- Marchina, C. (2025). «Nomadic pastoralism among the Mongol herders: multispecies and spatial ethnography in Mongolia and Transbaikalia». *Routledge*.
- Moreau, G. L., Nyland, K. E., & Kuklina, V. V. (2023). «Traditional Nomadism Offers Adaptive Capacity to Northern Mongolian Geohazards». *GeoHazards*, 4(3), 328-349. <https://doi.org/10.3390/geohazards4030019>
- Nemati, V., Makian, S., Hanifezadeh, F., & Qezelbash, A. H. (2023). «Decisive determinants shaping nomadic tourism future development: The case of Shahsavans tribes in Iran». *Journal of Global Hospitality and Tourism*, 2(2), 156-176. <https://doi.org/10.5038/2771-5957.2.2.1026>
- Nemati, V., Delshad, A., & Fallahzadeh, H. (2025). «The Development Scenarios of Cultural Tourism Focusing on Nomadic Tourism (Case Study: Shahsavans Nomads)». *International Journal of Tourism, Culture and Spirituality*, 8(1), 91-120.
- Nibbelink, L. G. (2015). «Mobile Performance and Nomadic Theory: Staging Movement, Thinking Mobility». *Nordic Theatre Studies*, 27(1), 22-31. <https://doi.org/10.7146/nts.v27i1.24236>
- Noroozi, H. (2021). «The Tangible and Intangible Heritages of Iranian Nomads: the Touristic Potential of Pastoral Nomadism». *International Journal of Tour Guiding Research*, 2(1). <https://doi.org/10.21427/ktcb-zv15>
- O'Connor, C., & Joffe, H. (2020). «Intercoder Reliability in Qualitative Research: Debates and Practical Guidelines». *International Journal of Qualitative Methods*, 19, 1609406919899220. <https://doi.org/10.1177/1609406919899220>
- Porter, A. (2020). «Pastoralism in the Ancient Near East». In *A Companion to the Ancient Near East*, D.C. Snell (Ed.). <https://doi.org/10.1002/9781119362500.ch8>
- Scholz, F., & Schlee, G. (2015). «Nomads and nomadism in history». In *International encyclopedia of the social and behavioral sciences* (pp. 838-843). Elsevier. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.62018-4>
- Robbins, P. (2004). «Nomadism now: Cultural survival in a changing desert environment». *Annals of Arid Zone*, 43(1), 1-19.
- Shekari, F., Ziaee, M., Faghihi, A., & Jomehpour, M. (2022). «Nomadic livelihood resilience through tourism». *Annals of Tourism Research Empirical Insights*, 3(1), 100034. <https://doi.org/10.1016/j.annale.2022.100034>
- Strauss, A., & Corbin, J. M. (1997). «Grounded theory in practice». *Sage*.
- Strauss, A., & Corbin, J. M. (1998). «Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory». *Sage*.
- Talinbayi, Sh., Xu, H. & Li, W. (2018). «Impact of yurt tourism on labor division in nomadic Kazakh families», *Journal of Tourism and Cultural Change*. <https://doi.org/10.1080/14766825.2018.1447949>
- Taheri, M., Poursaeed, A., Eshraghi-Samani, R., & Arayesh, M. B. (2022). «Sustainable development: organizing nomads of the Zagros region based on grounded theory model». *GeoJournal*, 87(2), 1285-1298. <https://doi.org/10.1007/s10708-020-10310-4>
- Tiberghien, G. (2018). «Managing the Planning and Development of Authentic Eco-Cultural Tourism in Kazakhstan». *Tourism Planning & Development*, <https://doi.org/10.1080/21568316.2018.1501733>
- Tiberghien, G., & Xie, Ph. F. (2018). «The life cycle of authenticity: neo-nomadic tourism culture in Kazakhstan», *Journal of Tourism and Cultural Change*, 16(3), pp. 234-247, <https://doi.org/10.1080/14766825.2016.1258408>

- Tiberghien, G., Bremner, H., & Milne, S. (2018). «Authenticating eco-cultural tourism in Kazakhstan: A supply side perspective». *Journal of Ecotourism*, 17(3), 306-319. <https://doi.org/10.1080/14724049.2018.1502507>
- Tiberghien, G. (2020). «Neo-nomadic Culture as a Territorial Brand for ‘Authentic’ Tourism Development in Kazakhstan». *Europe-Asia Studies*. <https://doi.org/10.1080/09668136.2020.1776842>
- Ziaee, M., Faghihi, A., Jomepour, M., & Shekari, F. (2017). «A framework for livelihood resilience of nomadic communities (a case study in Qashqai tribe)». *Iranian journal of management sciences*, 12(47), 51-73.

Designing a model for nomadic tourism development in Iran: A grounded theory approach

Abstract

Given the increasing popularity of authentic and rich cultural tourism experiences, Iran's nomadic cultural landscape potential, and the dearth of research to identify multiple aspects of nomadic tourism development in Iran, this exploratory study aims to elaborate a multi-faceted nomadic tourism development model for Iran based on the grounded theory approach. The statistical population of this qualitative study was nomadic tourism practitioners and experts in Iran, both in the public and private sectors. Nineteen experts were selected for semi-structured interviews through purposeful and snowball sampling. To ensure the trustworthiness of the data, interviews were conducted with individuals of diverse genders, organizational affiliations, academic backgrounds, and experience in the field of nomadic tourism. During the data collection process, the principle of data saturation was considered, and data gathering continued until repetitive responses emerged. After completing the analysis, the final results were shared with the participants, and their feedback on the findings was reviewed. Data analysis revealed 74 final codes, which were categorized into six core categories and 14 sub-categories, including causal conditions (market and competition, and socio-economic factors), background conditions (socio-cultural and infrastructural), interfering conditions (driving and constraining), core phenomenon (nomadic tourism products and services, and activities), strategies (focused on products and services, marketing and promotion, and human resources) and consequences (economic, socio-cultural, competitive). The findings, by analyzing the importance of developing nomadic tourism, identifying contextual factors for the development of this type of tourism, along with the factors that promote and inhibit the development of nomadic tourism, along with introducing strategies for developing this type of tourism in Iran, can be used as a scientific reference by policymakers and planners of Iranian tourism development.

Keywords: Nomadic tourism, Tourism Development, Grounded Theory, Iran